

ابوالفتح میرزا سالارالدوله
پسر سوم مظفر الدین شاه و از
شاهزادگان بود که اندیشه‌هایی
جاه طلبانه و طبیعی بسیار سرکش
داشت چنانکه تا مظفر الدین شاه
زنده بود، با آرزوی ولیمهدی
روزگار میگذرانید و چون
مظفر الدین شاه درگذشت (۲۴
ذی قعدة ۱۳۲۴ برابر با ۱۸ دی
۱۲۸۵ خورشیدی) دعوی
پادشاهی کرد.

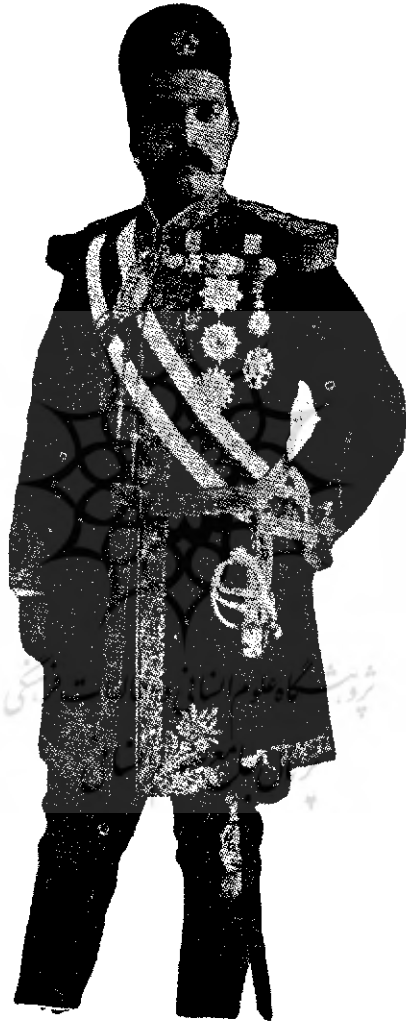
عائمه سالارالدوله

تقلم

سرنگ شاه امیرسود محمدی

مشروطه خواهان و آزادی
طلبان که اعتمادی به محمد -
علیشاه نداشتند برای تقویت
خود و ضعیف ساختن دستگاه
استبدادی بفراتر افتادند از وجود
سالارالدوله در برابر محمد
علیشاه استفاده کنند.

۱- درك به تاریخ مشروطه ایران تألیف احمد کروی ص ۶۶ چاپ ششم و همچنین
به ص ۳۶۷ که در این باره می نویسد: «در سالهای بازپسین زندگانی مظفرالدین شاه که
مین الدوله میخواست محمدعلیمیرزا را از ولیمهدی بردارد، یکی از پسران شاه که آرزوی
جایگاه او میکرد و کوششهایی بکار میبرد همین ابوالفتح میرزا سالارالدوله بود...»



سالارالدوله درین هنگام حکمران کردستان بود و مشروطه خواهان ملك المتكلمين را که پیش از آنهم یکبار در زمان مظفرالدین شاه از جانب سالارالدوله برای فراهم ساختن مقدمات ولایعهدی او بطهران آمده بود^۲ به کرمانشاه نزد او فرستادند و ملك المتكلمين سالارالدوله را با وعده سلطنت بیاری مشروطه خواهان دعوت کرد^۳.

دکتر ملکزاده در کتاب انقلاب مشروطیت ایران در این باره مینویسد :

«سالارالدوله که جوانی خام و جاه طلب بود از آن پس «خود را شاه آینده ایران می پنداشت و مجرمانه یکدست لباس سلطنتی تهیه کرده بود و بعضی از شبها در خلوت همان لباس را بر تن می کرد و جقه بر سر می گذارد و محارمش را احضار می کرد و در اطراف سلطنت آینده خودش و حکومت مشروطه و وضع قوانین و اصلاحات اساسی صحبت می نمود^۴ .»

ملك المتكلمين با قرارداتی که با سالارالدوله گذاشت بتهران بازگشت تا پس از فراهم نمودن مقدمات کار و آماده ساختن آئینه سلطنت ، سالارالدوله در کرمانشاه با طرفداری عشایر قیام کرده بسوی تهران حرکت نماید . اما سالارالدوله که بسیار شتابزده بود تأمل نکرد تا در تهران زمینه آماده و ساخته شود بلکه خیلی زود و شتابزده نیات و نقشه خود را آشکار کرد و وعده بشمارای از عشایر و ایلات مسلح بزودی کرد او جمع شدند و در نتیجه میان او و نیروهای دولتی زد و خورد و هائی روی داد.

سالارالدوله ، از این پس خود را ابوالفتح شاه قاجار خواند و اعلامیه هائی مبنی بر موافقت با مشروطه منتشر نمود ولی در مجلس شورای ملی، مشروطه خواهان که شتابزدگی و ناپختگی او را دیدند باندیشه اینکه اگر با سالارالدوله مخالفت کنند محمد علی شاه را با خود و مشروطیت همراه و موافق خواهند

۲- کروی ص ۶۶

۳- شرح این موضوع در کتاب «انقلاب مشروطیت ایران» تألیف دکتر مهدی ملکزاده فرزند ملك المتكلمين بتفصیل درج شده است جلد ۳ صفحات ۳۱ تا ۳۵ و تاریخ کروی ص ۳۶۷

۴- ج ۳ ص ۳۳

ساخت اعلامیه‌هایی بر ضد سالارالدوله انتشار داده^۵ اورایاغی و متهم و خواندند و این رفتار موجب شده‌ای از مشروطه خواهان که گرد سالارالدوله جمع شده بودند او را رها کردند و بسیاری از عشایر نیز از دور او پراکنده شدند اما محمد علیشاه نه تنها بمشروطه خواهان روی موافق نشان نداد بلکه در بر انداختن آنها و مشروطیت بیشتر مصمم شد و از سوی دیگر نیروئی بدفع سالارالدوله فرستاد.

در این هنگام (سال ۱۳۲۵ قمری) سالارالدوله باقوای خود بحدود نهاوند آمده بود و نظر علیخان لرستانی فتح السلطان باعده‌ای از سواران خود بکمک او بدانجا شتافت (اوائل ربیع الثانی ۱۳۳۵ مطابق با اواخر اردیبهشت ۱۲۸۶). درباره نخبه‌تین روزهای این غائله سند جالبی در دست است و آن گزارشی است از یک مأمور مخفی انگلیسی که در تاریخ ۱۲ ربیع الثانی ۱۳۲۵ قمری از همدان بآن سفارتخانه نیز فرستاده است و بی‌مناسبت نیست، آنرا در اینجا نقل کنیم.

محرمانه - مروض حضور بنه‌گان عالی می‌دارد و اوقات و اخبارات جدید از قرار است که بمرض میرساند از قرار است که اخبار رسیده سالارالدوله بادولت ایران یاغی و بانظر آقا - لرستانی متفق گشته‌اند. از پانزده هزار الی بیست هزار کسری عسکر سواد جمع آوری نموده و از سرحدات هم بتهویت سوار و هنگر هر جاتوب بوده همراه آورده در نزدیکی نهاوند دوارو جمع شده یکی از مال سالارالدوله و یکی از مال نظر آقا، قریب یک فرسخ فاصله هر دو اردو جدا چادر زده‌اند و یک چادر هم در وسط دو اردو زده‌اند بعد از نهار سالارالدوله و نظر آقا در چادر وسطی می‌روند و بابکدیگر قرار و مدار کار خود را صحبت می‌دارند. روز نهم شرح حال شاطری بامکتوب از جانب سالارالدوله بجناب امیرافضم ذین‌العابدین خان رسید. مضمون این که سی هزار تومان پول برای خرج خود و عسکر خواسته

۵ - ملکزاده ج ۳ ص ۳۳ - کسروی ص ۳۶۸

۶ - اصل این گزارش در « اداره اسناد عمومی انگلستان، در لندن موجود است و آقای علی مشیری متن آنرا در مجله خواننده‌ها سال بیست و چهارم شواهد ۶۹ باچند سند دیگر دوزمین غائله سالارالدوله بچاپ رسانیده‌اند.

در جواب آقای امیر متعذر گردید مجدد اخبار ثانی الاجاب سالارالدوله رسیده که روز ۱۲ شهر حال به نهاوند خواهد آمد، در روز پانزدهم هم به همدان. چون بد وقتی است و معمولات زیر پا می‌شوند و رعیت بی‌چاره و بی‌نان میمانند و خانه خراب و متضرر می‌شوند اهالی مخصوصاً همدانیها از این خبر مضطرب و مشوش شده‌اند و جواب ثانی هم به امیر از سالارالدوله رسیده بود که «روز ۱۵ به همدان خواهد آمد و بیایست هزار تومان بده تا نیایم» امیر به او نوشت «بیست و پنج هزار تومان میدهم به همدان نیاید» و با این حال جواب صریح تاکنون از سالارالدوله نرسیده و در روز ۹ که مکتوب سالارالدوله با خاطر به امیر رسید سؤال و جواب خیر خواهانه و نصیحت آمیز امیر به او در جواب نوشته شد شب معانرت امیر مخم در تلگراف خانه حاضر و هرح واقعه را تلگرافاً به طهران خبر می‌دهد جواب از طهران رسیده و امر شده پنج هزار سوار از خمسه، ده هزار سرباز از طهران و همدان با سوارهای کرمانشاهان و توابع همدان برای دفع اینکار جمع آوری شوند و خود امیر هم رفت بقریه لملچین محال همدان و مشغول جمع آوری سوار و اسب است و الیوم ۱۲ از سوارهای خداینده او محال همدان جمعی به همدان آمده‌اند و چون حکمران همدان آقای ظهیرالدوله این اغتشاش را ملاحظه نمود برای اینکه خرابی به شهر همدان نرسد و شاید درصدد اصلاح عمل برآید روانه نهاوند شد که نزد سالارالدوله بروند تا خداوند چه مقدر نموده باشد و شاید اصلاح پذیر گردد و بجهت این عمل و این اغتشاش چند روز است اشخاصی که گندم از توابع همدان بشهر حمل می‌نمودند موقوف و نانی که بسیار وفور داشت کم شده و همه اهل شهر مضطرب و پزیشان احوال هستند.

علاوه بر این سند و چند سند دیگر که همه را آقای مشیری در مجله خواندانیها بچاپ رسانیده‌اند^۷ بیست و هفت فقره سند دیگر شامل صورت تلگرافهایی که بین دولت مرکزی، حکومت ولایات ثلاث^۸ و رؤسای ایلات

۷- ر.ک به سال ۲۴ شماره های ۶۹ و ۷۰ آن مجله

۸- سابق بر این در تقسیمات کشوری به شهرهای ملایر، نهاوند و توپسرکان ولایات ثلاث می‌گفتند.

اطراف همدان مخایره شده و نیز نامه‌هایی که سالارالدوله بسرائر عشایر و خدمتگزاران خود نوشته است و عموماً مربوط به همین روزهاست موجود می‌باشد. اصل این اسناد در تصرف مرحوم خانبا با نوری نوه میرزا ابوالقاسم خان بوده است که رونوشتی از آنها را دوست دانشمند سرهنگ دکتر جهانگیر قائم مقامی چند سال پیش از این در اختیار من گذاشته‌اند.^۹ و من با سپاسگزاری از ایشان متن کامل آنها را جهت مزید آگاهی خوانندگان در پایان این مقاله نقل خواهم کرد.

این اسناد عبارتند از تلگراف‌هایی که میان تهران و ملایر مبادله شده و عموماً شامل دستورات دولت برای جلوگیری از غائله سالارالدوله و شرح اقداماتیست که میرزا ابوالقاسم خان حکمران ولایات ثلاث در این باره نموده است.^{۱۰} و همچنین نامه‌هایی از سالارالدوله که برخی به‌همراه بعضی از طرف منشی او به سران و خوانین عشایر و متنفذان و مالکان محال ثلاث و حکام این نقاط نوشته شده حاوی وعده‌ها و تهدیدها و خواستن خواروبار و «سورسات» برای اردوست^{۱۱} تاریخ نگارش و مخایره این نامه‌ها و تلگرافها بین چهارم ربیع الاخر و نوزدهم جمادی الاول ۱۳۲۵ (۲۷ اردیبهشت و ۱۰ تیر ۱۲۸۶) است. بموجب این مدارک، جمعی از عشایر با سالارالدوله همکاری کردند و برخی بجانبداری از دولت مرکزی برضد او ایستادند و بهر حال سالارالدوله در این واقعه شکست یافت و سپاه او را کنده شد و خود او بکرمانشاهان گریخت و در آنجا به قسولگری انگلیس پناهنده شد.^{۱۲}

۹- اصل این مدارک متعلق به شادروان خانبا با نوری فرزند میرزا ابوالقاسم خان نوری بوده این میرزا ابوالقاسم خان هنگام غائله سالارالدوله خود حکومت ملایر را داشته و تلگرافهای مورد بحث میان او و ولایای دولت مرکزی مخابره شد

۱۰- شماره های ۱ تا ۱۷

۱۱- شماره های ۱۷ الی آخر - کسروی نیز که از این نامه نگاریها آگاه بوده در تاریخ مشروطیت بدان اشاره کرده است (ص ۳۶۷ چاپ ششم) ولی چون بدانها دسترسی نشده از آن استفاده نموده است.

۱۲- درباره پناهنده شدن سالارالدوله به قسولگری انگلیس به مقاله آقای علی مشیری در خواننده‌ها رجوع کنید (سال ۲۴ شماره ۶۹)

خبر شکست سالارالدوله بطهران مخابره شد و در نهایند بمناسبت این پیروزیها چراغانی کردند و شعرا فتح نامه‌هایی سرودند و از آن جمله مثنوی سالارنامه است که افصح الشعرا عشرت بدینمطلع سرود (در ۱۹۱)

بهار است و هنگام عیش و نشاط زمین از زمرد فکنده بساط

بهر گلبنی نو شکفته کلسی غزلخوان بهر شاخه‌ای بلبلی

و شخص دیگری بنام میرزا اسداله بن شیخ علی اکبر، مثنوی مفصلی در شرح این واقعه و مدح میرزا ابوالقاسم خان سرود (در ۳۴۱ بیست) و همچنین قصیده‌ای هم در ۳۰ بیت از یکی از شعرای محلی بدینمطلع باقیست:

دوش کاین هفت آسمان زانجم بخود یر بست زیور

روی عالم شد سیه کون همچو مشکین موی دلبر

مادیر به بقیه داستان غائله سالارالدوله که تا حدود سال ۱۳۲۹ نیز کشیده شده است کاری نداریم زیرا مدارک ما مربوط بشرح آغاز کار اوست و برای آگاهی از دنباله داستان او خوانندگان را به کتابهایی که درباره وقایع مشروطیت نوشته شده است حواله میدهم.

نامه‌ها و تلگرافها

از طهران بمالیر مورخه ۴ ربیع الثانی ۱۳۲۵ قمری

جناب جلالتماآب اجلا کرم میرزا ابوالقاسم خان زید اقباله - از تلگراف جنابعالی از اقدامات و حرکات نظر علی خان لرستانی نسبت باطراف نهایند و اهالی که در لزوم استعداد اظهار نموده بودید قرین اطلاع شده محض اطمینان شما مینویسم که در تنبیه آنها استعداد لازم بحکومت لرستان داده شده است اقدامات در جلوگیری و تنبیه آنها خواهد کرد جنابعالی هم باید بتدابیر حسنه و قسوه سوار ولایتی جلوگیری کرده سریعاً امور آنجا را منظم دارید فعلاً فرستادن استعداد دیگری از برای آنجا ممکن نیست وزارت داخله

= ۲ =

از طهران به ملایر مورخه ۹ ربیع الثانی ۱۳۲۵

جناب جلالتمآب اجل آقامیرزا ابوالقاسم خان حکمران ولایات ثلاثه دام
مجده تلگرافات جنابعالی رسیده موجب کمال تعجب شد. عجالتاً رفتن جناب-
عالی به ملاقات شاهزاده مناسب نیست ولی چون ولایات ثلاثه مثل جاهای
دیگر نیست هم فوج دارد وهم سواروپیاده چریک ممکن است فراهم آورد.
فراهم بیآورید فوج آنجا را خبر کنید حاضر شوند لباس وتدارک از طهران
میرسد سواروپیاده هم خبر کنید بطوریکه چریک تهیه شود که در نهایند
حاضر شده برای جلوگیری اهتمام نمائید ازطهران هم جناب مستطاب اجل
سپهدار با اردوی مخصوص حرکت خواهند کرد فردا در خارج شهر اردو
خواهند زد. بجناب مستطاب اجل اکرم امیرافنخم دام اقباله هم تلگرافاً حکم
موکد شد که بافوج وسوار همدانی به نهایند بیایند و آنچه لازمه جلوگیری
است بعمل بیآورند البته جناب عالی هم از آنچه وظیفه دولت خواهی واهتمام
است خودداری نکرده و هرروز از اقدامات خودتان و اخبار تازه تلگراف
خواهید فرستاد که غفلت ازوظایف کار نشود. اتابک اعظم

طهران مورخه یوم دهم ربیع الثانی ۱۳۲۵

حضور مبارک بندگان حضرت مستطاب اشرف ارفع امجد افنخم آقایی
اتابک اعظم روحیفداه حسب الامر مطاع مبارک در نهایت عجله بجمع آوری
استعداد ولایتی ازسرباز وسوار وچریک مشغول است که باقبال بیزوال، لامحاله
دوسه هزار نفر فراهم کرده برای جلوگیری روانه نماید. قریب سیصد نفر سوار
وپیاده مستعد ولایتی ازخوانین ترکمان وغیر روانه نمود متوالیاً روزبروز
فرستاده خواهد شد وسه محل در نهایند هست اگر آنجا را سنکر نمایند و
استعدادی قابل حاضر شود میتوان جلوگیری کرد که لرستانی وارو خاک نهایند
نشود آنجاها را هم شبانه آدم فرستاد سنکر بسته جمعیت کامل بگذارند تا

استعداد لازم از طرف دولت ابد مدت برسد. دیروز هم مختصر عریضه بحضرت والا عرض کردم که سواد آن از قراری است که به عرض میرساند امیدوار است بی نتیجه نماند:

قربان آستان مبارک شوم چون این پیر غلام هفتاد سال است که از نان و نمک دولت ابد مدت متمم و گوشت و پوستم پرورش یافته وظیفه غلامی و نوکری اقتضا دارد که محض خیرخواهی و صدق دولتخواهی آنچه بعقل ناقص میرسد باستان مبارک عرضه دارد. بیست روز قبل مذکور داشتند موکب مسعود حضرت اقدس والاروحی فداه بحدود نهند تشریف فرما میشوند بی اندازه خوشوقت گردید که با تشریف فرمائی وجود مقدس مبارک در این حدود طوایف الوار قدرت بی اعتدالی بخاک نهند و این صفحات نخواستند داشت بعد رفته رفته معلوم شد که طایفه نظر علیخان فتح السلطان پا از جاده معقولیت بیرون گذارده بتاخت و تاز مشغولند و قریب شصت هفتاد هزار تومان اغنام واحشام ومادیان از دهات ظفر السلطان و غیره بغارت برده و چند نفر را بقتل رسانده اند و همه روزه بغارتگری مشغول میباشند. کمال حیرت بساین غلام دست داده که این حرکت آیبادون استحضار خاطر مقدس مبارک حضرت اقدس والاروحی فداه واقع شده یا خاطر مقدس مبارک مستحضر است. بلافاصله دستخط های عیدیه خطاب بیاشاخان نایب الحکومه نهند و شکراله خان زیارت گردید و فرمایش آرد شده بود فوری سپرد اطاعت نمایند آرد را هم فرستادند با اینکه در دستخط مبارک اطمینان داده بودند که سلامت خواهد رسید مال و گاوای که حمل آرد کرده بود آنرا هم سوار لرستانی در مراجعت برده اند باز دستخطهای ثانوی حضرت اقدس والا زیارت شد که جمعیت و استعدادی خارج از قانون گردش و تفرج معمول در رکاب مبارک والا ملتزم هستند و خیال تشریف فرمائی بسراب گاماسب نهند دارند که در آنجا ترتیب امور ملایر و نهند و مملکت های همجواری را خواهند فرمود. از این دستخط مبارک بعضی مطالب استنباط میشود که زبان این پیر غلام قادر بر ادای آن نیست صریحاً عرضه می دارد اگر منظور حضرت اقدس والاروحی فداه بتقدیم خدمتگذاری و امتثال او امر مقدسه بندگان اعلی حضرت اقدس همایون شاهنشاه جمجاه

اسلامیان پناه ارواح العالمین فداه است این پیر غلام هم با جمیع اهالی ولایات ثلاث که بالغ بردویست هزار نفر هستند در متابعت و تقدیم جان و مال خودداری نخواهیم کرد، عبدوعبید و غلامیم و اگر العیاذ بالله چنانچه مردم عوام شهرت می دهند قصه و منظور دیگری دارند این پیر غلام با تمام نفوس ولایات ثلاثه از جان گذشته برای دفاع و جلو گیری خودداری نخواهیم کرد چنانچه باقتضای وقت سلب این مختصر ایالات از حضرت اقدس و الا روحی فداه شده بتحقیق در عوض ممالک بزرگ مرحمت خواهند فرمود البته در خاطر مبارك هست داستان شیخ عبیداله در آذربایجان هیچ چیز اسباب تمامی وعدم نیل بخیالات فاسده او نشد جز قتل و غارت میان دو آب و این حرکت که از سواران نظر علیخان بروز کرده و غارتی که از مردم بیچاره نهند شده بکلی اسباب تنفرو و وحشت عامه گردیده است بحرف الوار که اعتباری بقول و فعل آنها نیست و قائم مقام مرحوم در حق آنها فرمود آه از این قوم بی همیت و بی دین اعتنا نفرمائید و رو باستان مبارك شاهنشاهی آوردن از هر اقدامی بهتر است دولت در آن سراو گشایش در آن دراست آنچه شرط غلامی و جان نثاری و خیر خواهی است عرضه داشتیم امیدوارم عرایض غلامانه صادقانه را توجه مخصوص فرمایند و اگر کسی غیر از این عرض بحضور مبارك مینمایند او را خادم و دولتخواه ندانند بلکه او را حاین آستان مبارك پند گان حضرت اقدس و الا روحی فداه بشمارند چاکر حقیقی ابوالقاسم .

= § =

از ملایر به طهران - تاریخ ۱۰ ربیع الثانی ۱۳۳۵

حضور مبارك حضرت اشرف افخم اتابك اعظم روحی فداه تفنگ در ذخیره يك قبضه نیست. الآن سیصد نفر سر باز حاضر است و باقی را هم سه روزه انشاء اله حاضر میکنم ولی بی تفنگ چه حاصل. تصدقت شوم تفنگ و فشنگ مقرر فرمائید برسانند، کاغذی از ظفر السلطان از چهار فرسخی نهند رسیده که حاضر است و تکلیف خواسته با اینکه اجازه رفتن بنهاند بغلام مرحمت نشده ولی ملاحظه میکنم تا حرکت نکنند و فرود این مردم در آنجا جمع نمیشوند و نهندی قوت قلب حاصل نمیکند خاصه از اهالی هم ارسال و مرسل با حضرت

والادارند. این غلام صلاح است برود امیدوارم با جمعیت نهایندی و خود غلام که همراه میبرد و دنباله ملایری که برسد جلو گیری باقیال بیزوال شاهنشاه جمجه ارواح العالمین فداه بنمایم تا استمداد همدان و غیره برسد. تادر خاک نهایند داخل نشده اند جلو گیری آسانتر است و قتی که داخل شدند کار سخت خواهد شد از روی بصیرت عرض میکنم چون از سر کرده های لرستانی پدر و پسر و برادر کشته از حضرت والا هستند و مخالفند اگر دستخطی فرمایند خطاب بآنها در حرف شنوی ابوالقاسم غفلت نکنید امید است آنها را اطمینان داده حاضر کند از همه کس بهتر در مقام دفع این فتنه برمی آید سهل است میشود از همراهان شاهزاده ر بوده داخل خودشان نمایند و از قدرت طرف کاسته شود انشاء الله. چاکر ابوالقاسم

= ⊙ =

از همدان به ملایر جواب نمره ۹۶ بتاريخ شب ۱۵ ربیع الاخر ۱۳۴۱

خدمت جناب مستطاب اجل حکمران دام اقباله در تلگرافخانه تلگراف زیارت شد در انجام خدمات دولت چنان تشنه هستم مثل شخص استسقا دار بآب. در تدارک هستم، عجله دارم. ظفر السلطان هم دیروز از بالای کنسکاور بطرف نهایند آمده ساری اصلان و ضرغام السلطان هم با او هستند بآنها تلگراف سخت شد از اطراف پی در پی استمداد میرسد امیر افخم سردار

= ۹ =

از نهایند به ملایر بتاريخ ۱۱ ربیع الثانی ۱۳۴۵

حضور مبارک بندگان حضرت مستطاب اجل آقای میرزا ابوالقاسم خان حکمران ولایات ثلاثه زید اقباله. دیروز ظفر السلطان وارد شد نقدا پنجاه نفر سوار از سوارهای ناصر جمعی خود حاضر دارد بواسطه اینکه در جلوراه در آبادی های خود ظفر السلطان مشغول بستن سنگر و جلو گیری هستند مخصوصا خواهش نموده است بعرض برسانم که بیست قبضه تفنگ و یکمهد فشنک از ذخیره ملایر برایشان فرستاده شد هر چه ممکن است که مقرر فرمائید تهیه گردد

تافرستاده خودشان باقیض آمده نحویل میگیرد . از حضرت والا سالارالدوله والوارواشرار تازه خبری نیست دیروز هم از طهران تلگرافی برای حضرت والا سالارالدوله و تلگراف برای سید مهدیخان رسید فوراً با سوار مخصوص فرستاده شد قابل اتفاق نیفتاده که به مرض برساند نصرالله

= ♡ =

از طهران به ملایر نمره ۳۸ بتاريخ ۱۴ ربیع الثانی ۱۳۴۵

مقرب الحضرت حاج حیدر خان یاور فوج اجلال چون بر حسب امر مبارک همایونی ارواحنا فداء اردوئی در آنصفحات تشکیل خواهد یافت و باید فوج اجلال هم در اردو باشد شما بتمام صاحبمنصبان و سربازان فوج مزبور اطلاع بدهید و بطوریکه جناب جلالتمآب اجل سهام الدوله دستور العمل میدهد آنها را حاضر و مستعد نمائید تا ملزومات فوجی هم فرستاده شود عنقریب خود جناب جلالتمآب سهام الدوله هم خواهد آمد نایب السلطنه امیر کبیر

= ♡ =

از طهران به ملایر ۱۶ ربیع الثانی قمری سال ۱۳۴۵

جواب ۲۰

حضرت جناب مستطاب اجل آقامیرزا ابوالقاسم خان حکمران ولایات ثلاثه دام اقباله . تلگرافات جنابعالی رسیده و اقدامات جنابعالی تماماً در خاکپای ملوکانه مورد تمجید و تحسین واقع گردیده برای تفنگ و فشنگ که تلگراف کرده بود فوراً استعداد لازم بتوسط جناب یمین نظام بهمدان فرستاده شده که از آنجا بمواضع لازمه برساند و البته بزودی رسید . از برای جریت توپسراگان و نهاوند خواهند رسانید ولی چیزیکه لازم است این است که باید با کمال قوت قلب و قدرت خودداری نمائید و تدارکات خود را فراهم آورده حفظ نظم را مراقب خواهید بود تا جناب مستطاب اجل اکرم امیرافخم خود را برسانند که همه استعداد او را جمع آوری نمود و اقدامی که برای قلع و قمع اشرار مقتضی است بعمل آورده باشد ولی مسلم است که اگر بجائی از اشرار حمله

وزحتمی وارد آورند باید دفاع را جداً اقدام نمود و امیدواریم انشاءالله تعالی نتیجه اقدامات طوری بشود که قریباً دفع اشرار شده و رعایای دولت قرین آسایش و امنیت شود و البته مراحم و توجهات ملوکانه روحانفاده را کاملاً باهالی ولایات ثلاثه که همیشه رعیت نمک بحلال دولت و صاحب غیرت و ناموس بوده و هستند ابلاغ نمائید انشاءالله مجاهدات غلام و رعیت مایه آبرومندی و روسفیدی خودشان و رضایت خاطر اولیای دولت خواهد بود دولت هم البته آسایش رعایای خود را دقیقه [ای] فرو گذار نخواهد نمود. خاطر همگی آسوده و دل گرم باشد. اتابك اعظم

= ۹ =

از طهران به نهاوند مورخه ۱۸ ربیع الثانی قوی ئیل ۱۳۳۵

جناب مستطاب اجل اکرم آقامیرزا ابوالقاسم خان دام اقباله دوروز است از جنابعالی و ترتیب کارها خبر ندارم در آنجا چه است و خبر تازه چه دارید فوراً اطلاع بدهید. از جناب مستطاب اجل اکرم آقای ظهیرالدوله دام اقباله چه خبر دارید کجا هستند مراجعت کردند یا خیر اطلاع لازم است بنویسید از فراری که شنیدم با استعداد بنهواند رفته اید البته خیلی خوب بود ولی همانطور که سابقاً نوشته ام تا تمام استعداد اطراف حاضر نشوند نباید جلد اقدامی نمائید همین طور با استعداد خودتان در نهواند حاضر باشید تا اسلحه و قورخانه- چیان و مسلسل که از طهران حمل شده برسد سایر استعداد و قشون که از اطراف باید برسد رسید اگر از آنطرف اقدام و تخطی شد اقدامات لازم بکنید جناب مستطاب اجل اکرم سردار افخم بالوازم عنقریب میرسد مقصود این است از طرف شما اول اقدامی نشود و رایورت خودتان را بدهید اتابك اعظم .

= ۱۰ =

از نهاوند بطهران ۱۸ ربیع الثانی ۱۳۳۵

فرزند میسر محمدی خان حفظاله اردوی همایونی تا باهروز که ۱۷ است یکنفر نرسیده ولی با برادران و مردمان از جان گذشته ملایری و تویسرگانی که بقدر دوهزار نفر متجاوزند چه در پیش فرستادم و چه با خودم آوردم و متصل

میرسند جلو را بحمداله والمنه گرفته ام اقلا سه هزار نفر نهایندی هم از جان گذشته حاضرند با این عده هم سنگرها را بسته و مردکاری گذاشتم و هم عده مستعد تاخت و تاز کمک در میان خالصه و دور شهر مستعد دارم که بحمداله از گردنه بیدسرخ خزل الی اول خاک همدان و اسد آباد نتوانند انشاء الله عبور پرواز نمایند و ملتزم تا اردو برسد اگر یکنفر بگذارم و اردو خاکم شوند خون خودم و خون تو بردولت مباح باشد. سیصد و پنجاه بلکه چهار صد نفر سوار نظر علیخان مومیوند لرستانی را که از اردوی غیر مبارک باستظهار مراحم مبارک با خودش بر گرداندم و جزو اردوی نهایند شدند و سی سنگر با آنها سپرد و اینکار اگر چه خیلی خرج و زحمت داشت ولی اسباب تزلزل در اردوی حضرت - والا شده و قوت قلب مردمان خودمان . دور نیست صید مهادیخان رئیس طایفه دلفان هم بترقیبی که پیش آوردم و مستظهرش کردم انشاء الله با هزار و پانصد سوارش امروز و فردا از آنها برگشته باردوی نهایند ملحق شوند. انشاء الله بهر حال اگر در راه دولت تصدق شدم خوشحال کارم که در راه ولینمات ارواح - العالمین فداه تصدق شدم و در لحاف نمردم. بیش از شصت و شش سال حق زندگانی ندارم و اگر جان نثاری را با سلامتی انجام رساندم خوشحال تو را باز ماند گانم با مراحم ملوکانه وصیتم همان است که بخط خود نوشتم و روز حرکت فرستادم تخلف نکن و موفق بر توفیق پروردگار باش انشاء الله ابوالقاسم

تاریخ ۱۳۲۵ = ۱۱ =

از باغ به نهایند تاریخ ۲۴ ربیع الثانی ۱۳۲۵

میرزا ابوالقاسم خان احوال شما چطور است خدمت و زحمت شما را کاملاً مستحضریم آفرین بر غیرت و خدمت شما بخوانین و سر کردگان ظفر السلطان اظهار التفات ما را برسانید دستخط تلگرافی بامیر افخم شده است زیارت کرده و از آن قرار معمول دارید و کمال قوت قلب را با فضل خداوند داشته باشید و انشاء الله دفع اشرار میشود اینکه عرض کرده بودید ابدلاً صلاح نیست و مشغول دفاع و جلو گیری باشد .

شاه

= ۱۲ =

از طهران به نهاوند ۲۵ ربیع الثانی قوی لیل ۱۳۲۵

نمره ۱۳۴

جناب مستطاب اجل اکرم میرزا ابوالقاسم خان حکمران ولایات ثلاثه دام اقباله در ضمن راپورت تلگرافی خبر میرسد از طرف ظفر السلطان آرد و آذوقه باردوی حضرت مستطاب اشرف امجد والا شاهزاده سالار الدوله دامت شوکته حمل میشود مقرر فرمودند حقیقت این خبر را از جناب عالی سؤال نماید واقع امر را اظهار نمائید بعرض برسد

نمره ۴

= ۱۳ =

حضور مبارک حضرت مستطاب اشرف ارفع افخم اتابک اعظم روی فداء دو تلگراف از وضع لرستان و نهاوند و خیالات حضرت والا سار الدوله بحضور مبارک عرض نموده الان پاکتی از نهاوند نواب شاهزاده پاشا خان نایب الحکومه آنجا فرستاده و صورت دستخطهای حضرت والا سالار الدوله را که بمعزی الیه وشکر اله خان گماشته ظفر السلطان نموده اند لفاً ارسال نموده که عین عبارت آن ارقام از قرار ذیل است که اکنون تلگرافاً بعرض میرسد :

پاشا خان روز بیست و هشتم موکب مسعود والا بسلامتی وارد الی شترشد و با قرب جوار نهاوند لازم است که خاطر مبارک والا از وضع حال آن صفحه بی اطلاع نباشد البته شما مطالب لازمه و راپورت خارج و داخل آن حدود را همه روزه بعرض برسانید بملتزمین رکاب مبارک در امنیت و رفاهیت سکنه و اهالی آن حدود قدغن اکید شده و موجبات آسودگی آنها فراهم خواهد شد مخصوصاً از اهل اردو و ملتزمین رکاب که

برای خرید آذوقه و بعضی ملزومات بنهائند بیایند
باید از طرف تو که مال همراهی و مساعدت بشود آقایان
و علماء عظام را سلام برسانید و از خوانین احوالپرسی
نمائید و اظهار التفات ما را برسانید. ۲۹ ربیع الاول
۱۳۲۵ .

شکراله خان دیروز که بیست و هشتم بود موکب
مسموع مبارک سرکار و ابلاسلامتی وارد الی شتر گردید
لزوماً امر بصدور این دستخط مطاع بافتخار تو
میفرمائیم اولاً بعرض سرکار و ابلا برسان که ظفر السلطان
کجا است تازگی کاغذی از او رسیده جنس دارید یا خیر
ثانیاً بواسطه عدم آذوقه در این صفحه بملتزمین رکاب
سخت میگذرد و چون دهات و املاک ظفر السلطان
اختصاص بخود سرکار والا دارد مقرر می داریم که
معادل بیست خروار آرد تدارک نموده بمال مکاری یا
الاغ خود رعایای دهات حمل کرده معجلاً باردوی
مبارک بفرستد از حالات ظفر السلطان هم هر گونه
اطلاعی دارید بعرض برسانید ۲۹ ربیع الاول ۱۳۲۵ .

استدعا دارد تکلیفی از برای رعایا و فقرای ولایات مقرر فرمائید که از تعدی
ملتزمین اردوی مبارک و سوار فتح السلطان محفوظ بماند، از تاخت و تاز نهائند و
ملایر و توپسیرکان هم در اضطراب و انقلاب هستند و تحقیقاً چند عراده توپ
سوزنی و استعداد کامل دارند و هر گاه غیر از این بود بیک اندازه ممکن بود
خودداری و جلو گیری نماید فدوی ابوالقاسم .

= § =

از نهائند بطهران بتاريخ ۱۹ جمادی الاول ۱۳۲۵

فرزندی مشیر نظام حفظ اله با آن وصیت نامه که فرستادم و برخیاالات و
عزم مطلع شدی میدانی امتیاز و سربلندی خود و اعقابم را باین قرارداد بودم

که آخر عمر جان ناقابل را در راه حق مشخص و نمک خوارگی و لینعمت کل ارواح فدا شده نشان نموده حیات ابدی باقی بگذارم شاید تمام طبقات خانه زادان دولتی راهم سرمشقی باشد. حال این سعادت قسمت نبود چه امتیازی بالاتراز این خواهد بود که جان بازی پیره غلام شان بر قلم مبارک مظهر لطف پرور که آینه جهان نما است جلوه کرده باشد و بصرافت طبع مبارک بدون استدعا، اعطای شاهانه فرمائید دولتی يك امتیاز را خیلی طالبم که چون شاهزاده سالار الدوله مکرر درجه سیاستم را بعد از گرفتاری به بستن دهن توپ یا قطع بند بند اعضا مقرر فرموده بودند و باقبال بیزوال خسروانه به مقصود خودشان نایل نشدند هر گاه بشود التزام رکاب شاهزاده را از احضار ایشان بدبار معدلت مدار ملوکانه ارواح فدا شده بعهده قدرت مقرر فرمایند که باین وسیله تقبیل آستان مبارک را تحصیل نمایم بزرگ ترین امتیاز و افتخار خواهد بود دیگر هیچ آرزویی ندارم ابوالقاسم .

- ۱۵ -

حضور مبارک بندگان حضرت مستطاب اشرف ارفع افخم اتابک اعظم روح فدا شده. حضرت والا بحمداله فراراً وارد کسرمانشاهان و بقونسولخانه انگلیس پناهنده شده اند و همراهان تمام فراری و نظیر علی خان از طرحان در میان طایفه خودش رفته. از اقبال بیزوال بندگان اعلی حضرت قدر قدرت شاهنشاه جمجاه عالمیان پناه ارواح العالمین فدا شده فساد بر طرف شده و عامه اهالی ولایات ثلاثه آسوده و دعاگوی ذات اقدس شهرباری شده در مساجد و منابر و محافل جز شکر گزاری و دعا گوئی کاری ندارند توقف اردوی کلهر و این اجتماع در نهباند هر روز مبلغهای کلی ضرر و خسارت دولتی ابد مدت است و چندین برابر ضرر رعیت، امر بمرخصی و عود بمحل فرمائید - مزید بر دعا گوئی و آسایش اهالی خواهد شد. از برای تنبیه اشرار لرستانی استعداد حکومت لرستانی کافی است و از قرار مذکور استعداد سوار بختیاری و فوج نهباند و غیره را کاملاً دارند. توپخانه خرم آباد هم که حالا مانع ندارد و در تحت اختیار است. منوط بامر مبارک است جان نثار ابوالقاسم

= ۱۶ =

حضور مبارك بنديگان حضرت مستطاب اجل اشرف ارفع افخم اتسابك اعظم روحيفداه از روزيكه باقبال يزدان اعليحضرت قدر قدرت ساهنشاه جمجماه ارواح العالمين فداه طرف مغلوب وفراری شده روز ميگذرد هر قدر به ايلخاني كلهر اصرار شد تعاقب كند اقدام نكرد و روز است اقدام باصلاح و توسط نظر علي خان و قرآن مهر كردن دارد كه اوليای دولت ابد مدت از حرکات اوصه رفتنظر نمايند بلكه مورد مراحم ملوكانه هم شود. تصدقت شوم چا كر خصوصيت و خصوصت با احدی ندارد خاصه لرستاني ولی در خانزادی دولت آنچه را بفهمد عرض نكند نمك بهرامی و خيانت كرده بتمحرك اين نظر علي خان چند طایفه خدمتگزار لرستاني با مر حضرت والا غارت شدند از جمله مهر علي خان رئيس طایفه سگوندر ا كشتند طایفه اش را هم غارت كردند طایفه نظر علي خان موميوندر ا غارت كردند خودش فرار كرد در نه او ند مشغول جان نثاری شدوا گرفتار نكردده بود او را هم ميگشتند. از دهات ظفر السلطان بيچاره از پنجاه روز قبل تا بحال بتحقيق صد هزار تومان غارت بيشتر بردند. از بروجرد و ولايات ثلاثه دو كرور زياد غارت و ضرر رسانيدند و مير سافند از حضرت والا سالار الدوله بقلمداد نو كرهای خودشان كه در نه او ند هستند متجاوز از دو مليون ليره پول اسب ماديان تفنگ و فشنگ شخصی و قورخانه دولتي كه در بروجرد و خرم آباد بود بردند، ساعتی در نمك بهرامی غفلت نكردده حالا كه بهمداله استعداد دولتي همه قسم فراهم شده حكومت بروجرد هم با استعداد و اقتدار آمده موقع دفع اين خائن است صريحا عرض ميكنند با اين دولت و استعدادی كه از اين طريق حاصل كرد تنبيه نشود و بسزای خود نرسد هر وقت بنخواهد حر كتي كند قادر خواهد بود خاصه وقتيكه اين استعداد های دولتي مر خص شوند و کسی در مقابل نباشد حضرت اجل ظهير الدوله هم ديروز بسمت كرمانشاهان رفتند. اردوی كلهر هم در محل خود اقامت دارد و بسمت لرستان رفتند در عرض اين مطلب خجالت دارد ولی از ناله هزار زن و مرد بيچاره ناچار است بعرض برساند جان نثار ابوالقاسم

= ۱۷ =

از نامه ای که منشی سالارالدوله هم‌مهور بمهر سالارالدوله به شاهزاده پاشاخان
نایب‌الحکومه نهایند نوشته است

«نواب ارجمندی پاشا خان بعلاوه قراری داده خواهد شد .
خودمان هم محض ترقیب اردو چندروزی توقف داریم نصف اردو در رکاب
بگاماسب خواهد آمد نصف اردو که پانزده هزار است در پائین بالا کریوه
[-] محلی معین خواهم کرد که بمانند . در بابت انتظام نهایند چنانکه
دیروز بمجرد استماع وحشت اهالی نهایند دستخط کردیم حالاهم مجدد
دستخط می کنیم که بذات پاك خداوند تبارك و تعالی تمام مقصود من استخلاص
ملت ایران از ظلم و اجحاف استبداد جور حکام است و من چگونگی راضی می‌شوم
بقدر جوئی بمورچه صدمه بخورد . حاشا و کلا . بموجب این دستخط مطاع همه
اهالی نهایند بلکه بممالک همجوار قول و اطمینان صحیح بدهید که در کمال
امنیت خاطر و آسودگی حال بوده باشند هر کس بعدها از لرستانی دیناری
گرفته باشد دودیناری از صندوقخانه عوض داده می‌شود . در کمال اطمینان خاطر
بوده باشید شما هم همه روزه راپورت آنصفحات را بعرض برسانید . انشاءاله در
کار مالیات برای ملایرو نهایند قراری که لازم است خواهیم داد آرد را هر قدر
زودتر بار دوبرسانید معطل نشوید .»^{۱۳}

۱۳- این نامه که ظاهر آن نعتین نامه سالارالدوله است در آغاز کار غائله نوشته شده و
علت مکاتبه پاشاخان هم با سالارالدوله این بوده است که لرستان و کرمانشاهان در حکمرانی
سالارالدوله بود و بعضی از طوایف لرستان بر سهیل سابقه در اطراف نهایند و ولایات ثلاث
بیلاق و فلاق می کردند و در نتیجه اخذ مالیات دیوانی از آنها مسئله ای مابیه الاختلاف میان
حکومت لرستان و حکومت ولایات ثلاث بوده است . و پاشاخان در این تاریخ درباره مسئله
مالیات دیوانی شرحی بحکمرانی غرب که سالارالدوله داده نوشته بوده است سالارالدوله
در ابتدای نامه مزبور بمسئله مذکور جواب داده و در همین گیر و دار هم سالارالدوله عازم
اجرای خیالات خود شده است .

= ۱۸ =

نامه سالار ابدوله به پاشا خان

پاشا خان در طی مرقوماتی که در این چند روزه بافتخار شما صادر شده قصد و نیت خودم را بالصراحه اشعار کرده که جز خدمت بملت و فراهم کردن موجبات آسودگی رعیت هیچ قصد دیگر نداشته و نداریم و از قراریکه بمرض رسیده باز در نهاوند و میان اهالی آنجا بعضی مذاکرات بوده و قلوب مردم را مضطرب کرده که گویا از این نهضت و رکضت کار گذاران و الاورد مؤاخذه خواهند بود. در اینصورت لازم شد شما را با جنابان مستطابان مولوی و آقا اسداله سلمه اله زحمت داده حسن نیت خودم را نسبت برفاه و آسایش رعیت مشروحاً مذاکره نمائیم که شما هم بمردم اطمینان کامل داده از وحشت بیرون بیاورید.

بزیارت این دستخط بهمراه جنابان معزی الیها باردوی الشتر بیائید. پس از یکروز توقف اردو، استحضار از مکنونات خاطر مرحمت مظاهر والا مراجعت کرده مردم را امیدوار و آسوده خاطر بدارید. شهر ربیع الثانی ۲۵

= ۱۹ =

نامه دیگر

جناب مستطاب شریعتآب آقا اسداله سلمه اله تعالی

اهل اردو آذوقه ندارند و اگر هر کدام بجهت تحصیل آذوقه رو بشهر بیاورند مسلماً اسباب صدمه کلی مردم خواهد بود.

همانطور که بجناب آقای مولوی نوشته ایم امروز و دیشب پنجاه شصت خروار آرد تهیه کرده بار دو بفرستید نه اینکه تصور نمائید که اگر در فرستادن آذوقه اقدام نکنید ساعت سستی در کار و عسرت اردو میشود بلکه بطوریکه نوشته ایم باعث زحمت شماها خواهد شد و اهل اردو برای خود تحصیل آذوقه خواهند کرد و میدانم که امراء ایران که در نهاوند هستند نمیکدارند اقدام بفرستادن آذوقه نمائید و میخواهند عالمأ و عامداً اسباب خانه خرابی اهل شهر را فراهم نمایند و اما من بر حسب تکلیف این تکلیف را بر شما لازم دانستم. خود دانید.

= ۲۰ =

هو

خدادادخان و سایر خوانین و ملاکین بلوک بالا بدانند . برای اردو سیورسات و آذوقه لازم است .

اینک شاهزاده حسن و علی اکبرخان تفنگداران مخصوص را فرستاده و بموجب صدور این دستخط مقرر میفرمائیم بهر قدر که بتوانند آرد و آذوقه حمل کرده بار دو بفرستید . فرضاً در یکروز ممکن نباشد چهل پنجاه خروار که مأخذ آذوقه اردو است برسانید بتدریج روزی ده یازده خروار بفرستید و فردا که جمعه است باید جلو سیورسات شما برسد . هر گاه مسامحه نمائید مورد غضب خواهید شد^{۱۴} .

= ۲۱ =

خدادادخان عریضه شما از لحاظ مبارک گذشت . با اینکه از بابت آذوقه بار دو عسرت میگذرد جای تأخیر در فرستادن آذوقه نیست . اینکه عرض کرده فردا خواهی رساند بسیار خوب ولی چون باهالی اردو عسرت میگذرد . لهذا مقرر میفرمائیم که هر قدر ممکن میشود برای امشب بفرستید و بقیه را فردا برسانید نقلی ندارد . البته خیلی زود قدری آذوقه برسانید و مسامحه و تامل را جایز ندانید .

۲۴ شهر ربیع الثانی ۱۳۲۵ .

= ۲۲ =

خدادادخان یاور و سایر خوانین بزیارت این دستخط مطاع باید هفتاد خروار آرد و بیست خروار جو فوراً حمل حیوان نموده بکارخانه و اصطبل مبارک ارسال دارید که اسباب مزید مرحمت سرکار اسعد والا در بساره شما خواهد بود . احیاناً مسامحه بنمائید صریحاً دستخط میشود که بر هیچ چیز شما ابقاء نخواهم گذاشت . شهر ربیع الاخر ۱۳۲۵

۱۴ - در بالای نامه برجسی است با زمینه بنفش رنگ که روی آن نوشته شده سالارالدوله ۱۳۲۵ .

= ۲۳ =

هو

خدادادخان از قراریکه بعرض رسید بعضی ازسوار های لرستانی به آنظرنما آمده مصدرشرارت وهرزگی شده اند چون بدون امر و خودسر مرتکب این حرکت غیرقاعده شده اند خاطر سرکاروالا خیلی متغیر گردیده حکم به اجرای تنبیه و تادیب آنها فرمودیم و بجناب جلالتمآب سردار اکرم قدغن اکیدشد که بیش ازپیش کمال مراقبت و مواظبت را بعمل آورده مانع ازاین گونه اقدامات بشود و نکذارد احدی بدون اجازه از اردو خارج شود و این مسئله و باعث این اقدامات، لرستانی بواسطه ناچاری و کرسنگی و عدم آذوقه بودن است ولی بتصدیق خود من کار غلطی کرده اند بموجب صدور این دستخط مطاع مبارک مقرر میفرمائیم اولاً خود شما از طرف ذیشرف سرکاروالا کمال اطمینان و امیدواری راداشته باشید و بعموم اهالی مجال بالا اطمینان بدهید و این دستخط مارا بآنها ارائه دهید که با نهایت امیدواری مشغول زندگسی خودشان باشند و التزام از اهالی اردو گرفته شد دیگر احدی از آنها بآن سمت ها نخواهد آمد و مصدر شرارتی نخواهد شد فقط کاری که شما می کنید این است که روزی مقدار پنج خروار آرد از خودتان و تمام ملاکین بالا محل برسانید که دیگر اهالی اردو رفع کرسنگی شان شده راه عذرو بهانه آنها مسدود گردد و علی کل حال علی اکبر خان جلودار و حبیب اله خان روانه شدند. روز بروز مقدار مرقومه را بتوسط مشارالیهما ارسال دارید.

۲۷ ربیع الثانی ۱۳۲۵

= ۲۴ =

محرمانه است

در مسئله ملاقات شما با [] ملتفت نشوند بهتر است. بحق خدا من کمال التفات را بشما دارم، حتی در خیال هستم که وصلتی هم مابین شما و سردار اکرم نظر علی خان بکنم. از همه بابت آسوده باشید. گوش بحرف مردم ندهید. من آقای خوبی هستم برای شما. گول نخورید. همه وقت بدرد

شما میخورم و این را صحیح بدانید تا زنده هستم دست از عربستان و ملایرو
نهایند نخواهم کشید . در اینصورت مثل شما نوکری را همیشه لازم دارم .
مطمئن‌الخطاظر و آسوده باشید .

= ۲۵ =

شاهزاده پاشاخان عریضه شما بعرض رسید . جواب دستخط خواهد
شد . در لف پاکت شما پاکت تلگرافخانه که محتوی بر تلگراف حضرت
مستطاب اجل اشرف اتابك اعظم بوده ملاحظه شد ، جوابی نوشته شده لفاً
فرستادم . اولاً مجلسی از علماء اعلام و تجار و کسبه و غیره تشکیل نموده
جواب تلگراف مرا قرائت نمایند . هر کس میل دارد سواد آنرا از تلگرافخانه
دریافت دارد . بعد از قرائت بتلگرافخانه بدهید ، فوراً مخابره نماید . شهر
ربیع الاخره ۲۵

= ۲۶ =

محرمانه است فقط خودتان بخوانید

جناب ظفر السلطان آقابالا را که حامل دستخط های جناب مستطاب
اجل امیرافنخام است لداورود در هر نقطه هستند معجلا روانه نمایند برود
بایشان برسد . عریضه شما را هم ملاحظه کردم . سه قاصد شمارسیدند . هر سه
را جواب دادم . بی جهت وحشت نکنید . واله باله کمال التفات را بشما دارم .
از هر بابت آسوده باشید . آدم محرم که خواسته بودی حاجی اکبرخان را
فرستادم البته امشب انشاءاله خواهد رسید . حسام الملك و ظهیر الدوله را هر
طور است در نهایند نگاه دارید . آمدنشان باینجا مصلحت من نیست خدای -
نا کرده در بین راه اتفاقی میافتد اسباب خجالت من است . خودمان مختصراً
بملاقاتشان می آئیم . آمدن آنها لزومی ندارد . البته محرمانه بحسام الملك
حالی بکنید که مبادا خیال آمدن را بکنید . سیورسات سفر مستعجلا بفرستید
از هر بابت راحت و آسوده باشید .

= ۲۷ =

پاشاخان چون بعرض رسید که مال بجهت آرد لازم است فرستاده شود مال اینجا ممکن نیست زیرا اردو هر روزی بجهت رفع کثافت ناچار از حرکت است علاوه بر آن برای اردوی علی‌الاتصال باید آذوقه حمل و نقل شود این سی‌چهل خروار آردی که بجهت اجزای رکاب شخصی است اینقدر اهمیت ندارد که از اینجا مال و بار کش فرستاده شود معجلاً با الاغ حتی گاو از دهات اجیر کرده بار بکنید. همین شاطر همراه آنها باشد بی عیب و نقص انشاءاله بار دو میرسد و مال مکاری عودت داده میشود مرشدخان گولیوندهم سوار همراه است سالماً میرسند. انشاءالله تعالی

در حاشیه این نامه که بمهر سالارالدوله است بخط سالارالدوله چنین نوشته شد :
«این آرد بجهت کارخانه است والا الوار ذرت و بلوط و غیره دارند روزی دو یست خروار هم کفایت آنها نمیکند. در اینصورت بجهت نان کارخانه زودتر این سی‌چهل خروار را بفرستید»

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی